

# آیا حذف صفرها اعتبار می‌آورد؟

## ارزشگذاری مجدد پول ملی در کشورهای در حال توسعه

بخش سوم و پایانی

نویسنده: Layama Mosley  
مترجمان: سهیل ایلداری - فریا رستم پور

رویدادهای پس از  
فروپاشی کمونیسیم  
نشان داد که  
شهروندانی که  
اعتمادشان را به پول  
ملی رایج از دست  
داده بودند، خیلی  
راحت با پول خارجی  
کنار آمدند.

### اشاره

ارزشگذاری مجدد پول ملی از لحاظ اندازه، دارای تنوع فراوانی است: از حذف یک صفر گرفته (۱۴ مورد) تا حذف شش صفر (نه مورد) ولی حد متوسط ارزشگذاری مجدد، حذف سه صفر است که در جریان آن، پول ملی را به ۱۰۰۰ واحد تقسیم می‌کنند.

۱۹ کشور جهان از این سیاست یک بار استفاده کرده‌اند و ۱۰ کشور هم دوبار به اجرای این سیاست دست زده‌اند. برخی از کشورها با اختلاف زمانی چند ساله این برنامه را به اجرا گذاشته‌اند، مثل بولیوی که طی سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۸۷ ارزشگذاری مجدد پولی ملی را انجام داده است، ولی در اغلب موارد، این اقدام بسیار سریع صورت می‌گیرد، مثل کشور پرو که طی سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۱ این برنامه را اجرایی کرده است. آرژانتین (چهار بار)، یوگسلاوی سابق/ صربستان (پنج بار) و برزیل (شش بار) بیشترین استقبال را نسبت به اجرای این سیاست از خود نشان داده‌اند.

بخش‌های قبلی این مقاله را در شماره‌های ۱۱۳ و ۱۱۴ ملاحظه کرده‌اید و اینک بخش پایانی آن تقدیم می‌شود.

بانک و اقتصاد

تحقیقاتی را در خصوص اقتصادهای در حال توسعه و گذار شامل می‌شود، اما آرایه گزارش‌های آن از سال ۱۹۷۵ آغاز گردیده است. در نتیجه، این مدل به مطالعات کمتری تکیه دارد و برخی از آن اطلاعات سانسور هم شده است. به دلیل ارتباط نزدیک (۰/۶۳-) بین بررسی دسته‌بندی حزبی و متغیر تورم، این مدل بدون در نظر گرفتن تورم پیش‌بینی شده است. در این مدل (مدل ۵ که در جدول شماره سه گزارش شده است) ارزش‌های بالای شاخص هرفایندال که نشان دهنده دسته بندی اندک حزبی و گروهی است، با پیامد مخاطره‌آمیز اندک ارزشگذاری مجدد پول ملی در ارتباط است. به عبارت دیگر، زمانی که دولت ائتلافی از دسته‌بندی‌های حزبی بسیاری تشکیل شده باشد، احتمال ارزشگذاری مجدد پول وجود دارد. به علاوه، اگر ما متغیر ساختگی برای نظام‌های ریاست جمهوری را (به جای مجلس) جایگزین کنیم، پیش‌بینی پیامدهای مخاطره‌آمیز از نظر آماری مهم جلوه می‌کند و به نظر می‌رسد که احتمال انجام ارزشگذاری مجدد پول ملی در سیستم‌های ریاست جمهوری کمتر باشد.<sup>(۳۳)</sup> بنابراین، نتایج فوق به جای اعتبار بخشیدن به دیدگاه "فقدان اراده سیاسی" به انجام ارزشگذاری مجدد پول ملی، به دیدگاه "پرهیز از مقصر دانستن" اعتبار می‌بخشد.

ایدئولوژی: یکی دیگر از ویژگی‌های سیاست داخلی،

آخرین بخش فرضیه ۳، میزان دسته‌بندی احزاب در نظام سیاسی را شامل می‌شود. دسته‌بندی احزاب و گروه‌ها به دو طریق مؤثر واقع می‌شود: از یک سو، زمانی که با مشکلات دسته‌بندی احزاب روبه‌رو می‌شوید، دولت‌ها با وجود رویارویی با فشارهای اقتصادی، از نظر سیاسی به اجرای ارزشگذاری مجدد پول ملی از خود تمایل نشان نمی‌دهند، چون بازارهای مالی به این که دولت‌های ائتلافی از یک نرخ ارز ثابت دفاع کنند، کمتر اعتماد دارند (به طور مثال، لیلانگ ۲۰۰۲)<sup>(۳۴)</sup>. از طرف دیگر، ائتلاف حاکم بر دسته‌بندی‌های احزاب، هویت ظاهری را برای احزاب سیاسی فراهم می‌کند. آنها می‌توانند سیاست‌هایی را اجرا کنند که هیچ عضوی از ائتلاف نخواست است مسوولیت آن را بپذیرد و هر حزبی می‌تواند اتخاذ این سیاست را به گردن عضو ائتلافی دیگر بیندازد (رادلف ۱۹۹۵).

به منظور بررسی تأثیر دسته‌بندی حزبی و گروهی بر ارزشگذاری مجدد پول ملی، مدلی را طراحی کردم که به بررسی دسته‌بندی‌های دولت (در مجلس) می‌پردازد. در این بررسی، از «شاخص هرفایندال» برای ائتلاف حاکم از پایگاه اطلاعاتی مؤسسه‌های سیاسی استفاده شده است (برگرفته از بک و دیگران - به روز شده در سال ۲۰۰۴). این پایگاه،

## نتایج پیش‌بینی مدل لایه‌بندی کاکس - بخش دوم

متغیرها	انتخابات و تقسیمات دولت (۵)	انتخابات و ایدئولوژی (۶)	تاریخ ارزشگذاری مجدد (۷)	ناهمگونی اجتماعی (۸)
تورم (Log)		***۱/۹۵۳۴ (۰/۳۰۰۵)	***۲/۳۲۵۴ (۰/۲۵۴۹)	۱/۲۴۰۶ (۰/۲۰۰۳)
دموکراسی	*۱/۰۳۸۷ (۰/۰۲۱۵)	۱/۰۲۵۴ (۰/۰۳۲۸)	۱/۰۳۲۷ (۰/۰۲۲۵)	۱/۰۳۲۷ (۰/۰۲۲۵)
برنامه صندوق بین‌المللی پول	**۲/۲۴۷۹ (۰/۷۶۳۶)		***۴/۴۵۸۲ (۲/۱۱۱۸)	
انتخابات، سایر انواع (دارای شکاف زمانی)		***۰/۳۵۰۳ (۰/۱۴۳۵)	*۰/۴۸۷۸ (۰/۲۴۹۹)	**۰/۴۳۲۶ (۰/۲۰۳۱)
تقسیمات دولت (شاخص هر فایندال، ائتلاف حاکمیت)	*۰/۴۶۴۸ (۰/۲۱۳۴)			
ایدئولوژی: حزب راست‌گرای اجرایی		*۲/۰۴۹۳ (۰/۸۳۶۲)		
گذشته ارزشگذاری مجدد			***۶/۲۸۲۱ (۲/۷۶۱۲)	
شمار گروه‌های قومی مؤثر				**۰/۲۴۳۸ (۰/۱۱۳۹)
شمار گروه‌های قومی * تورم (Log)				**۱/۴۲۱۴ (۰/۱۳۸۰)
LR Chi ۲	۱۸/۳۴	۲۱/۹۱	۸۲/۰۱	۷۷/۱۴
Prob < Chi ۲	*۰/۰۰۱۱	*۰/۰۰۰۲	*۰/۰۰	*۰/۰۰
آزمون جهانی شون فلد (Prob < Chi ۲)	*۰/۷۸۵۳	*۰/۳۵۰۱	*۰/۹۷۷۳	*۰/۶۹۱۵
شمار شکست‌ها	۳۸	۳۱	۴۴	۳۸
شمار کشورها	۱۳۴	۹۵	۱۳۱	۱۰۳
شمار مشاهده‌ها	۲۵۰۲	۱۳۵۸	۳۴۷۰	۲۸۸۹

\*۱۰٪، \*\*۵٪، \*\*\*۱٪ سطح اعتماد

### هیچ کشوری به سرعت اقدام به حذف سه صفر نمی‌کند.

بررسی بیشتر، "متغیر دفعات ارزشگذاری مجدد پول ملی در گذشته" را به مدل اصلی اضافه کردم. این متغیر نشان‌دهنده تعداد دفعاتی (از سال ۱۹۶۰) است که یک کشور رقم‌هایی را از پول ملی‌اش حذف کرده است. دوباره، متغیر "برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول" را از مدل حذف کردم، زیرا هم راستا با بررسی تعداد دفعات ارزشگذاری مجدد پول ملی است.

نتایج این ارزیابی (مدل ۷) در جدول شماره سه درج شده است. همان‌طور که اعلام شد، متغیرهای تورم و انتخابات از نظر آماری معنی‌دار می‌باشند. متغیر ارزشگذاری مجدد پول ملی در گذشته، همچنین به طور قابل ملاحظه‌ای با پیامد بسیار مخاطره‌آمیز ارزشگذاری مجدد پول ملی در ارتباط است. البته این ارتباط لازم است در بخشی از خط‌مشی اقتصادی منظور شود؛ هنگامی که ارتباط میان متغیر برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول و دفعات ارزشگذاری مجدد پول ملی مثبت پیش‌بینی می‌شود، مشکلات اقتصادی دولت‌ها اغلب برای مدت زیادی دوام خواهد داشت.

ایدئولوژی است. برخلاف پیش‌بینی‌های انجام شده در مورد "پایان دوره ایدئولوژی" جانبداری دولت، بر انتخاب‌های سیاست اقتصادی چه در دنیای در حال توسعه و چه در کشورهای توسعه یافته تأثیر زیادی دارد (به طور مثال، نگاه کنید به بروکز در سال ۲۰۰۲). به طور کلی، ایدئولوژی دولت نقش مهمی را در تعیین پیامدهای مخاطره‌آمیز ارزشگذاری مجدد پول ملی ایفا می‌کند. فرضیه ۴ پیش‌بینی می‌کند که دولت‌های چپ‌گرا احتمالاً به ارزشگذاری مجدد پول ملی کمتر گرایش نشان می‌دهند، در حالی که دولت‌های راست‌گرا تمایل بیشتری به اجرای آن دارند.

اطلاعات مربوط به ایدئولوژی دولت از "پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسات سیاسی" گرفته شده است و دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۷۵ را پوشش می‌دهد. متغیر ایدئولوژی زمانی که در مدل کاکس منظور شد، نتایج مهمی را نشان داد. از طرف دیگر، ارزیابی میزان پیامدهای مخاطره‌آمیز حضور گروهک‌های چپ‌گرا در دولت (حتی رییس حزب اجرایی یا اغلب نمایندگان در دولت ائتلافی) زیر یک است که از نظر آماری مهم تلقی می‌شود. زمانی که اصلی‌ترین حزب مخالف، حزب چپ‌گرا است، میزان پیامدهای مخاطره‌آمیز از یک فراتر می‌رود و این مسأله حایز اهمیت است.

از سوی دیگر، ارزیابی‌های نرخ پیامدهای مخاطره‌آمیز به دلیل حضور احزاب راست‌گرا<sup>(۲۴)</sup> به طور قابل ملاحظه‌ای معنی‌دار و بیشتر از یک است (در مدل ۶ این میزان برای قوه مجریه راست‌گرا ۲/۰۵ و برای حزب دولتی راست‌گرا ۲/۲۱ است). در همین راستا، ارزیابی پیامدهای مخاطره‌آمیز برای ایدئولوژی حزب بزرگ راست‌گرا مهم و کمتر از یک (۰/۲۲) است. یافته‌های پیشین نشان می‌دهند زمانی که گروه‌های راست‌گرا قدرت را در دست می‌گیرند، احتمال ارزشگذاری مجدد پول ملی افزایش می‌یابد و زمانی که گروه‌های راست در جناح مخالف هستند (یعنی زمانی که گروه چپ یا بی‌طرف بر مسند حکومت قرار می‌گیرند) اجرای ارزشگذاری مجدد پول ملی از احتمال کمتری برخوردار خواهد بود. اگر گروه‌های راست را به عنوان دوستداران بازارهای تجاری مورد بررسی قرار دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که بازارهای تجاری به طور غیرمستقیم می‌توانند بر تصمیمات مربوط به ارزشگذاری مجدد پول ملی تأثیرگذار باشند. البته نتایج گزارش شده در مدل ۶ مجموعه کوچکی از شرایط (و تعدادی ایدئولوژی که گاه مشکل بتوان آنها را به نظام‌های حکومتی در حال توسعه نسبت داد) را در مدنظر قرار داده است. بدین ترتیب، اطمینان ما را نسبت به اعتبار این نتایج کاهش می‌دهد. در هر حال، آنها پیش‌بینی می‌کنند که مؤلفه ایدئولوژیک با توجه به انجام و زمان‌بندی ارزشگذاری مجدد پول ملی انتخاب می‌شود.

### ارزشگذاری مجدد پی در پی

فرضیه ۵ پیش‌بینی می‌کند که اگر ارزشگذاری پول ملی در گذشته انجام شده است، احتمال انجام مجدد آن فزونی می‌یابد. تردید دولت‌ها در خصوص حذف صفرها زمانی کاهش می‌یابد که دولت‌های قبلی آن را انجام داده باشند. به منظور

کشورهایی که در سال ۱۹۷۰ نیاز به ارزشگذاری مجدد پول ملی داشتند، دوباره همین نیاز را در سال ۱۹۸۰ احساس کردند. بررسی پیامدهای مخاطره‌آمیز همچنین این امکان را در جریان بررسی‌های سیاسی فراهم می‌سازد تا بار دیگر ارزشگذاری مجدد پول ملی را تحت تأثیر قرار دهد: هنگامی که موانع ارزشگذاری مجدد پول ملی برطرف شود، انجام این مقوله به یک انتخاب سیاسی قابل اجرا مبدل خواهد شد. موارد یاد شده را می‌توان در جریان مطالعات موردی ارزشگذاری مجدد پول ملی یا ارزیابی اطلاعات افکار عمومی، بعد و قبل از چندین دوره ارزشگذاری مجدد پول ملی مورد بررسی قرار داد.

پول رایج کشور و هویت: دو فرضیه آخر که در بخش ۲ مورد بررسی قرار گرفتند، ارتباط میان اعتماد به پول ملی و دولت از یکسو و هویت ملی و ارزشگذاری مجدد پول از سوی دیگر را مورد توجه قرار می‌دهند. هم راستا با این موارد، فرضیه ۶ نیز پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی ارز خارجی، به طور مثبتی بر پیامدهای مخاطره‌آمیز ارزشگذاری مجدد پول تأثیر می‌گذارد. متأسفانه اطلاعات لازم در زمینه جایگزینی ارزهای خارجی برای بسیاری از کشورهای مورد بررسی در جدول شماره یک در دسترس نیست. یکی از راه‌های ارزیابی این فرضیه‌ها، تجزیه و تحلیل اطلاعات افکار عمومی است: آیا در شرایط مساوی، تغییرات نرخ تورم یا نرخ تبدیلی دلار به پول ملی، ارتباطی با تغییراتی در مقبولیت دولت نزد مردم دارد؟ آیا در شرایط مقطعی، شهروندان کشورهایی که بر مبنای ارزهای خارجی قدرتمند ارزشگذاری مجدد پول ملی را انجام می‌دهند، به طور قابل ملاحظه‌ای از میزان اعتمادشان کاسته می‌شود؟ در بررسی بعدی به جای بررسی مجموعه‌ای کامل از اطلاعات سری‌های زمانی، به اطلاعات مقطعی در خصوص جایگزینی پول پرداخته می‌شود.

یکی دیگر از موارد، استفاده از دوره زمانی قبل از سال ۱۹۸۹ (در مقابل ۱۹۸۹-۱۹۶۰) است. با وجود تغییرات چند فراملیتی

در مسأله آزادی مالی، سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰ اغلب به عنوان سرآغاز آزادی‌های مالی شناخته می‌شود. با در نظر گرفتن رویدادهای پس از فروپاشی کمونیسم و برطرف شدن بحران بدهی، کشورها به طور فزاینده‌ای در معرض جایگزینی ارز خارجی قرار گرفتند. شهروندانی که اعتمادشان را به پول ملی رایج از دست داده بودند، خیلی راحت با پول خارجی کنار آمدند. در هر صورت، اضافه کردن متغیر "بعد از سال ۱۹۸۹" به مدل پایه از نظر آماری، ارزیابی نرخ پیامدهای مخاطره‌آمیز مهمی را مطرح نمی‌کند. لذا بررسی بیشتر فرضیه ۶ را به مطالعات و تحقیقات آتی موکول کردم.

نهایتاً فرضیه ۷ پیش‌بینی می‌کند که بین سن مردم یک کشور و ارزشگذاری مجدد پول ملی و همچنین ناهمگنی اجتماعی و ارزشگذاری مجدد ارتباط وجود دارد. من از طریق در نظر گرفتن ارزش لگاریتمی "سال‌های پس از استقلال کشور"، پیش‌بینی‌ها را در این مدل زمانی مورد سنجش قرار دادم. در این مورد نرخ پیامد مخاطره‌آمیز ۱/۰۸ است که تا حدودی پیامد مخاطره‌آمیز ارزشگذاری مجدد پول را با توجه به سن کشورها مطرح می‌کند و از نظر آماری نیز مهم به نظر نمی‌رسد. تعامل متغیر سن کشور با تورم یا ناهمگنی نژادی، به ارزیابی‌های معناداری منتج نمی‌شود. امکان محتمل این است که سن کشور دو جنبه عکس داشته باشد: از یک طرف، کشورهای جدید بیشتر نسبت به هویت ملی احساس نگرانی می‌کنند و به منظور تقویت پول ملی (و هویت ملی) احتمال ارزشگذاری مجدد پول ملی در آنها بیشتر است. از طرف دیگر، ممکن است مردم این کشورها در جریان ارزشگذاری مجدد به اصلاح یا جایگزینی یکی از نمادهای کشور مستقشان در پول ملی اصرار و تأکید داشته باشند. این موارد انگیزه‌هایی هستند که سبب می‌شوند تا در رویارویی با مشکلات اقتصادی، اقدام به ارزشگذاری مجدد پول ملی نمایند.

بنابراین، من به مدلی متوسل شدم که تأثیر ناهمگنی

**اگر در جریان اجرای سیاست ارزشگذاری مجدد پول ملی، به مردم فرصت کافی برای جایگزینی پول کهنه با پول نو داده شود، و اگر ارزشگذاری مجدد تأثیر اندکی بر انتظارات تورمی داشته باشد، اجرای این سیاست تأثیر منفی اندکی خواهد داشت.**







اجتماعی را در خصوص ریسک ارزشگذاری مجدد پول ملی به طور مستقل و در ارتباط با نرخ تورم بررسی نماید. این مدل (مدل ۸) پیش‌بینی می‌کند که ناهمگنی اجتماعی نقش مهمی را در این راستا ایفا کند. گروه‌های قومی متنفذ در یک کشور به طور قابل ملاحظه‌ای با ارزشگذاری مجدد پول در ارتباطات هستند. با افزایش تنوع قومی، پیامدهای حذف سه صفر نیز کاهش می‌یابد. ناهمگنی قومی درست نقطه مخالف فرضیه هفت قرار می‌گیرد، اما زمانی که تورم بالا با مسأله تنوع قومی در تعامل قرار می‌گیرد، شاخص تنوع از نظر آماری نتایج معنی‌داری را ارائه نموده و پیامد مخاطره‌آمیز ارزشگذاری مجدد پول ملی را افزایش می‌دهد. تورم با حضور ناهمگنی اجتماعی همانند اجرای برنامه‌های احتیاطی صندوق بین‌المللی پول، پیامد مخاطره‌آمیز ارزشگذاری مجدد پول را افزایش می‌دهد.<sup>(۲۵)</sup> نتایج حاصله بر این ادعا تأکید خواهند داشت که دولت‌های جوامع ناهمگن به طور ویژه در زمینه حذف اعتماد عمومی به پول ملی خود احساس نگرانی خواهند کرد (و بنابراین، بسیار سریع‌تر نسبت به ارزشگذاری مجدد پول ملی اقدام می‌کنند).

### نتایج و دستورالعمل‌های راهبردی آتی

این مقاله شامل مجموعه فرضیه‌هایی است که نقش عوامل سیاسی و تصمیم‌گیری‌های دولت را در جریان ارزشگذاری مجدد پول مورد بررسی قرار می‌دهند. اجرای این سیاست تا اندازه‌ای شرایط دشوار و پیچیده‌ای را برای سیاستمداران به وجود می‌آورد. از ارزشگذاری مجدد پول ملی به عنوان یک مشکل بسیار بزرگ تخصصی یاد می‌کنند. اگر در جریان اجرای این سیاست به مردم فرصت کافی برای جایگزینی پول کهنه با پول نو داده شود و اگر ارزشگذاری مجدد تأثیر اندکی بر انتظارات تورمی داشته باشد، اجرای این سیاست تأثیر منفی اندکی خواهد داشت. ارزشگذاری مجدد پول به جای آن که در ابتدای مراحل اصلاح اقتصادی انجام گیرد، اغلب در پایان این مراحل به منصفه ظهور می‌رسد. بنابراین، به نظر می‌رسد که ارزشگذاری مجدد پول ملی نسبت به دیگر گزینه‌های سیاست‌های اقتصادی کمتر بحث‌برانگیز باشد.

در هر حال، هیچ کشوری هم‌زمان با سایر کشورها و به سرعت اقدام به حذف سه صفر نمی‌کند. این نکته بدان معنی نیست که عوامل اقتصادی نقش مهمی در اجرای ارزشگذاری مجدد پول ملی ندارند و فقط متغیرهای سیاسی در این راستا مهم تلقی می‌شوند. من در خصوص سه مکانیزم تداخلی که سیاست‌ها ممکن است بر ارزشگذاری مجدد پول ملی تأثیر بگذارند، بحث و بررسی کرده‌ام: توجهاتی در زمینه اعتبار سنجی (در سطوح بین‌المللی و داخلی) عواملی در اقتصاد سیاسی داخلی (زمان‌بندی انتخاباتی، افق‌های زمانی دولت، حابنداری و دسته‌بندی‌های حزبی) و تأثیر پول بر هویت اجتماعی.

تحلیل آماری‌ای که در بخش III آمده، اغلب ارزیابی اولیه این فرضیه‌ها است. من براساس تجربه ارزشگذاری مجدد پول ملی در کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال گذار، به این نتیجه رسیده‌ام که تورم مهم‌ترین شاخص ارزشگذاری مجدد پول ملی است. همچنین به این نکته دست یافتیم که فشار صندوق بین‌المللی پول از طریق اعطای

**هنگامی که موانع ارزشگذاری مجدد پول ملی برطرف شوند، انجام این مقوله به یک انتخاب سیاسی قابل اجرا مبدل خواهد شد.**

وام، احتمال ارزشگذاری مجدد پول ملی را افزایش می‌دهد (حداقل در حوزه‌ای که صندوق بین‌المللی پول مؤثر واقع شده است). از لحاظ سیاست‌های داخلی، درجه دموکراسی - در برخی مدل‌ها و با درجه پایینی - با ارزشگذاری مجدد پول ملی ارتباط پیدا می‌کند. شاید به همین دلیل است که دولت‌های مردم‌سالار با هدف جلب اعتماد عمومی نسبت به پول ملی کشورشان، در خصوص حذف سه صفر اقدام می‌نمایند.

عوامل سیاسی دیگر نیز نتایج محکم‌تری را مطرح می‌کنند: احتمال ارزشگذاری مجدد پول بعد از انتخابات و زمانی که دولت‌ها افق‌های زمانی بلندمدتی را در مدنظر دارند، با شکست روبه‌رو می‌شود (درست خلاف آنچه در بخش II پیش‌بینی می‌کردیم). زمانی که دولت‌ها با تورم بالا روبرو هستند و مدت طولانی نیز بر مسند قدرت تکیه زده باشند، احتمال ارزشگذاری مجدد پول ملی افزایش می‌یابد. جدای از آن، هنگامی که دولت‌ها از بعد اقتصادی، نیاز به ارزشگذاری مجدد را احساس کنند، احتمال این که در ابتدای دوره زمامداری خود به این اقدام دست بزنند، بیشتر است. البته این تصمیم‌گیری عاقلانه است، به ویژه هنگامی که اجرایی کردن این سیاست اضطراب و تشویش خاطر عمومی را به دنبال داشته باشد. همچنین احتمال

ارزشگذاری مجدد پول ملی در دولت‌های راست‌گرا بیشتر از دولت‌های بی‌طرف و چپ‌گرا است، شاید به این دلیل که منعکس‌کننده برخی منافع مورد پسند سیاست‌های بازار است. همچنین احتمال ارزشگذاری مجدد پول ملی در دولت‌هایی که به وسیله دسته‌بندی‌هایی حزبی بزرگتر توصیف می‌شوند، نسبت به دولت‌هایی که تک حزبی هستند، بیشتر است. یکی از دلایل این است که دولت‌های چند حزبی به منظور اجتناب از مورد سرزنش قرار گرفتن، به ارزشگذاری مجدد پول ملی روی می‌آورند.

تحلیل‌های آماری همچنین پیش‌بینی می‌کنند که بین ناهمگنی اجتماعی و ارزشگذاری مجدد پول ملی، حداقل در رابطه با تورم بالا ممکن است ارتباطی وجود داشته باشد. با وجود این که جوامع گوناگون از لحاظ قومیتی، عموماً کمتر در معرض ریسک ارزشگذاری مجدد پول ملی قرار می‌گیرند، ولی اگر این جوامع، تورم بالا را تجربه کنند، احتمال انجام اصلاحات پولی در آنها زیاد خواهد بود. این موضوع تا حدودی ممکن است شبیه به ارتباط بین دولت چند حزبی و ارزشگذاری مجدد پول ملی باشد. همچنین ممکن است نشان‌دهنده ارتباط بین پول ملی و هویت ملی و منافع ویژه دولت‌ها در حفظ اعتماد به پول ملی رایجشان در میان کشورهای مختلف باشد.

این یافته‌ها فرصت مناسبی را برای بررسی‌های کیفی و کمی آینده فراهم می‌کنند. در بررسی کیفی، جمع‌آوری بهتر داده‌ها در مورد شاخص‌های گوناگون سیاسی (و گزارش کشور-سال‌ها) اعتبار تجزیه و تحلیل را افزایش خواهد داد. همچنین، این عمل جهت انجام بررسی دیگر در زمینه ارزشگذاری مجدد پول (به طور اخص به هنگام نافرجام بودن تلاش‌ها) سودمند واقع خواهد شد، به ویژه زمانی که ارزشگذاری مجدد پول ملی براساس تصمیم‌گیری سیاسی باشد نه براساس زمانی که اجرایی کردن این سیاست مفید واقع می‌شود. اندازه این فاصله زمانی از هفته‌ها تا یک سال میان کشورها متفاوت است. به



زمانی که دولت ائتلافی از دسته‌بندی‌های حزبی بسیاری تشکیل شده باشد، احتمال ارزشگذاری مجدد پول ملی وجود دارد.

طور مثال، قانونی که در رابطه با لیره جدید ترکیه به تصویب رسید، مربوط به ۳۱ ژانویه ۲۰۰۴ است، ولی این پول تا اول ژانویه ۲۰۰۵ معرفی نشد. اگر عوامل سیاسی مهم هستند، پس راه‌حلی‌هایی که به جنبه‌های سیاسی توجه بیشتری دارند، قابل توجیه می‌نمایند.

همچنین تحلیل‌های کیفی، از عنایت به متغیرهای توصیفی دیگر بهره‌مند می‌شوند. به طور مثال، درگیری‌های قومی (حداقل در برخی و شاید در بسیاری از سیاست‌های ناهمگن) نقشی مهمی را در ارزشگذاری مجدد پول ملی ایفا می‌کنند، مثلاً بسیاری از ارزشگذاری‌های مجدد پول در کشورهایمانند آنگولا، سیرالئون، نیکاراگوآ و رواندا روی







تورم، مهمترین شاخص ارزشگذاری مجدد پول ملی است، البته فشار صندوق بین المللی پول از طریق اعطای وام هم احتمال ارزشگذاری مجدد پول ملی را افزایش می دهد.

واقعی خود را بر جای خواهد گذاشت؟ آیا این عمل همان طور که طرفدارانش پیش بینی می کنند، دسترسی به بازار سرمایه اصلاح شده و اعتبار، افزایش اعتماد عمومی دولت و ثبات مداوم سیاست های اقتصادی کلان را به دنبال دارد؟ احتمالاً سیاستگذار هنگامی که اصلاحات پولی را انتخاب می کند، مزیت های آن را هم پیش بینی می کند، اما مطالعات نظام مند اندکی در خصوص آثار حذف صفرها وجود دارد. ما همچنین باید در مورد یافتن سیاست های جایگزین مناسب برای ارزشگذاری مجدد پول ملی بیشتر تلاش کنیم. دولت ها می توانند به جای اصلاحات پولی مثل اکوادور و السالوادور که این کار را در سال های اخیر انجام داده اند، دلار را به عنوان پول ملی خود انتخاب کنند. بنابراین، آیا دولت باید تسلیم شود یا از پول ملی حمایت کند؟ برای پاسخ به چنین سؤالاتی نیاز است که انگیزه های سیاسی که در پس این سؤالات وجود دارند و منجر به تصمیم گیری های تخصصی می شوند، به دقت مورد بررسی قرار گیرند تا بتوان به این مسأله پی برد که چگونه می توان ارزش عددی پول های ملی یک کشور را تعیین کرد.

داده است که درگیر کشمکش های قومی بوده اند. زمانی که این کشورها تورم بالا را تجربه می کنند، دولت ها با انگیزه تصرف درآمد یا کاهش موجودی نزد گروه های شورشی، به اجرای چنین سیاستی از خود تمایل نشان می دهند (مس، ۱۹۹۵).

گذشته از این، ارزیابی پیامدهای مخاطره آمیز ارزشگذاری مجدد پول می تواند با تحلیل اطلاعات مربوط به افکار عمومی ارتباط داشته باشد. به طور مثال، آیا ارزشگذاری مجدد پول ملی از نگاه شهروندان افزایش اعتبار دولت را به دنبال خواهد داشت؟ آیا کشورهای که در سطح وسیعی مبادرت به جایگزینی پول خارجی نموده اند، اقدامشان ناشی از فقدان اعتماد عمومی به دولت یا کشورشان بوده است؟

نهایتاً تحقیق در این خصوص یک سری سوالات گسترده ای را پیش روی ما می نهد که چگونه ارزشگذاری مجدد پول ملی بادیگر خط مشی های اقتصادی سازگار خواهد بود؟ آیا ارزشگذاری مجدد پول ملی در شرایطی که احتمال بروز شرایط تورمی یا افزایش نرخ آن در آینده می رود، تأثیرات

#### زیر نویس ها

۲۲) اگر ما از «سال هایی که در شرایط ریاست جمهوری باقی مانده» (YRCURNT) از پایگاه اطلاع رسانی مؤسسات سیاسی) استفاده کنیم، به نتایج مشابهی می رسیم: متغیر از نظر آماري با کاهش قابل توجهی نسبت به پیامد مخاطره آمیز ارزشگذاری مجدد پول ملی در ارتباط است. چنین نتایجی بیشتر براساس تعداد اندک کشور/ سال ها (۱۷۵۶) است تا مواردی که در مدل ۴ گزارش شده اند.

۲۳) این مدل که در جدول شماره دو گزارش شده است، شامل ۳۳۷۳ یافته می باشد. این مدل شامل متغیر تورم است، اما متغیر «برنامه های صندوق بین المللی پول» نادیده گرفته شده است. ارزیابی های نرخ پیامدهای مخاطره آمیز در خصوص تورم (۲/۳۸)، دموکراسی (۱/۰۶)، انتخابات تأخیری (۰/۴۷) و ریاست جمهوری (۰/۵۲) آرایه شده است که از نظر آماري معنی دار می باشد و این مدل به فرض نسبی می پردازد. مدلی که شامل متغیر ساختگی آرایه نسبت باشد، نتایجی مشابه را آرایه می دهد: بررسی پیامد مخاطره آمیز آن، متغیر ۳/۵۳ است (که از نظر آماري معنی دار می باشد) و نشان می دهد که سیستم های آرایه نسبی Proportional Representational System، در اجرای ارزشگذاری مجدد پول ملی با پیامدهایی به مراتب بیشتر از ۳/۵۳ درصد مواجه هستند.

۲۴) بررسی های احزاب راست گرا و چپ گرا شدیداً با یکدیگر در ارتباطند، اما نه به طور کامل، در برخی شرایط که حزب بی طرف بر مسند حکومت است، تمامی بررسی ها برای این حزب، صفر کدگذاری می شود.

۲۵) همچنین به دلیل هم راستا بودن، متغیر انتخابات تأخیری را همزمان با متغیر صندوق بین المللی پول در نظر نگرفته ام. من متغیر صندوق بین المللی را برای متغیر انتخابات جایگزین کردم و نتایج آن برای دیگر ضریب متغیرها بسیار شبیه هم هستند. نظیر دیگر مدل ها که در جداول شماره دو و سه گزارش شده، ضریب متغیرهای این مدل، فرض پیامدهای مخاطره آمیز نسبی مدل کاکس را قبول کردند.